

چرا والیبال؟ چرا اردبیل؟

دهها دلیل برای توجه به مسابقات والیبال امیدهای آسیا در اردبیل دارم.

به عنوان یک ورزش دوست علاقه مند که بیشتر رشته ها را در نوجوانی و جوانی تجربه کرده ، والیبال در صف رشته هایی قرار دارد که در هنگام بازی احساس خوبی نسبت به آن نداشتم ؛ به یک دلیل ساده؛ قامت 173 سانتی من اجازه خودنمایی روی تور را نمی داد و عقب زمین هم بیشتر ضربه گیر بودم تا دریافت کننده و ...

به عنوان یک خبرنگار ورزشی 20 سال قبل و در شروع کارم چشم انداز روشنی هم برای والیبال ایران نمی دیدم چون بدون تعارف طبق القائات در باورهایم نهادینه شده بود که ما ایرانی ها اهل کار گروهی نیستیم.

ولی با تلاش های بی وقفه مردی کوتاه قامت تر از خودم اما مدیر و کاربلد به نام محمد رضا یزدانی خرم در فدراسیون والیبال و پایه ریزی یک سیستم کارآمد از استعداد یابی گرفته تا قهرمان پروری در این باور تردید ایجاد کرد و با ادامه آن مسیر توسط فدراسیون والیبال با هدایت محمد رضا داورزنی مجبورم کرد که اعتراف کنم ما ایرانی ها می توانیم اهل کار گروهی هم باشیم!

برای ورزشی که 3 دهه قبل رفتن روی سکوی آسیایی در آن برایمان رویا بود ، آن قدر پیشرفت حاصل شد که حالا پهناور ترین قاره جهان برایمان کوچک است و تنه به تنه بزرگان والیبال جهان شده ایم و به المپیک هم را پیدا کردیم.

نمی خواهم در مورد والیبال قلم فرسایی کنم ولی تبدیل شدن دروازه های گل کوچک به نخ های بدل از تور والیبال در کوچه پس کوچه های شهرم اردبیل را نمی توان انکار کرد. فوتبال ، کشتی و وزنه برداری به جای خود ولی حالا مردم میهنم برای دیدن بازی تیم ملی والیبال ، نیمه شب خواب شیرین بر خود حرام کرده و با زنگ ساعت در گرگ و میش هوا از بستر بر می خیزند . حالا والیبال هم در ایرانم و شهرم تب دارد!

والیبال امیدهای آسیا در اردبیل را دوست دارم چون برای اولین بار در تاریخ ورزش این استان میزبان یک دوره مسابقات رسمی آسیایی شده ایم. این رقابت ها را دوست دارم چون بر خلاف باور بسیاری از دست اندرکاران فدراسیون داخلی و کنفدراسیون آسیایی ، مردم شهرم در همان روز اول هم مسؤولان را شرمنده کردند و هم سالن غول آسای حسین رضازاده در مقابل آنهایی که به علت تکمیل ظرفیت به خانه برگشتند

، احساس حقارت کرد.

والیبال امید های آسیا را از آن جهت دوست دارم که مسؤولان و دست اندرکاران شهر و استانم ، با عشق کار گروهی کردند و تا پایان روز دوم رقابت ها هم به نظرم موفق شده اند.

این رقابت ها را دوست دارم چون حالا برای مردم و مسؤولان شهرم "ما می توانیم" از شعار به شعور تبدیل شده است.

این تورنمنت آسیایی را دوست دارم چون در یک روز غیر تعطیل و در حالی که تیم ایران هم بازی ندارد، حدود 2 هزار نفر برای تماشای بازی ازبکستان و تایپه با شور و حال فراوان در سالن حضور دارند و بالاخره رقابت های والیبال امیدهای آسیا را دوست دارم چون در سایه تلاش برای برگزاری این رقابت ها کلی از امکانات سخت افزاری از جمله سالن های رضازاده و آسمانی کاملا نوسازی و مهیا شدند و حالا با شروعی که در این تورنمنت داشتیم می توانیم میزبانی های دیگر آسیایی و جهانی را هم عهده دار شویم . گردشگری و سایر مباحث فرهنگی چنین میزبانی هایی هم بر عهده اهل فن، فقط در یک کلام من این رقابت ها را دوست دارم.

این مطلب در جریان بازی دو تیم ازبکستان و تایپه به دستور استاد پرستار به نگارش